

مفهوم‌سازی فرایند تبدیل سکونتگاه‌های روستایی به شهر^۱

محمد مهدی عزیزی* - استاد دانشکده شهرسازی، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران

اسفندیار زبردست - استاد دانشکده شهرسازی، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران

مهدی برنافر - دانش‌آموخته دکتری شهرسازی، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۲/۱۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۹/۱۷

چکیده

یکی از مسائلی که نظام شهری بسیاری از کشورهای در حال توسعه از جمله ایران با آن روبرو هستند، شکل‌گیری شهرهای نوپدید است که به دلیل شناسایی نقاط روستایی به‌عنوان شهر شکا گرفته‌اند. در این پژوهش مسئله تبدیل مراکز روستایی به شهر در استان گیلان به دلیل احتمال نابودی اراضی کشاورزی و پراکندگی زیاد سکونتگاه‌های روستایی در سطح منطقه، مورد توجه قرار گرفته است. در این میان، تبیین اینکه چه عوامل و فرایندهایی در تبدیل سکونتگاه‌های روستایی به شهر موثر بوده‌اند را می‌توان به‌عنوان بنیانی‌ترین سوال درخور توجه در رابطه با این موضوع دانست؛ با این حال تنوع دیدگاه‌های موجود در این خصوص منجر به این شده تا نتوان پاسخ مناسبی برای این پرسش پیدا نمود. بدین لحاظ این پژوهش از رویکرد کیفی بهره می‌گیرد و بر کاربست نظریه زمینه‌ای برای این امر متمرکز می‌شود تا با اجتناب از آرایه دیدگاه‌های سلیقه‌ای، ماهیت این موضوع را از زبان صاحب نظران امر تبیین کند. برای این منظور، ۱۵ نفر از صاحب نظران با روش نمونه‌گیری گلوله برفی انتخاب شده و مورد مصاحبه عمیق قرار گرفتند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد تبدیل سکونتگاه‌های روستایی به شهر در استان گیلان از طریق ۵ مولفه کلیدی رخ داده است که همگی به نوعی دارای ماهیت سیاسی هستند. این ۵ مولفه عبارتند از: مداخله توسط قدرت سیاسی برای تبدیل روستاها به شهر، بازتعریف نحوه مدیریت فضا، نگرش مردم نسبت به شهر و روستا، نادیده گرفتن ظرفیت‌های کلیدی سکونتگاه‌ها و وابستگی اقتصادی سکونتگاه‌ها به منابع دولتی. در این میان نقش مسئولین و خصوصاً نمایندگان مجلس از طریق مداخله توسط قدرت سیاسی برای تبدیل روستاها به شهر و بازتعریف نحوه مدیریت فضا به دلیل ایجاد شهرستان‌ها و بخش‌های جدید در استان، به‌عنوان موثرترین مولفه‌ها در شکل‌گیری شهرهای نوپدید پس از سال ۱۳۷۰ عمل نموده است.

کلیدواژه‌ها: تبدیل سکونتگاه‌های روستایی به شهر، نظریه زمینه‌ای، استان گیلان.

۱. این مقاله برگرفته از بخشی از رساله دکتری آقای مهدی برنافر است که در دانشکده شهرسازی پردیس هنرهای زیبای دانشگاه تهران انجام شده است.

Email: mmazizi@ut.ac.ir

* نویسنده مسئول

ارجاع به این مقاله:

عزیزی، محمد مهدی، زبردست، اسفندیار، برنافر، مهدی. (۱۳۹۸). مفهوم‌سازی فرایند تبدیل سکونتگاه‌های روستایی به شهر در استان گیلان. دانش شهرسازی،

doi: 10.22124/upk.2019.11905.1151 .۱-۱۳، (۱)۳

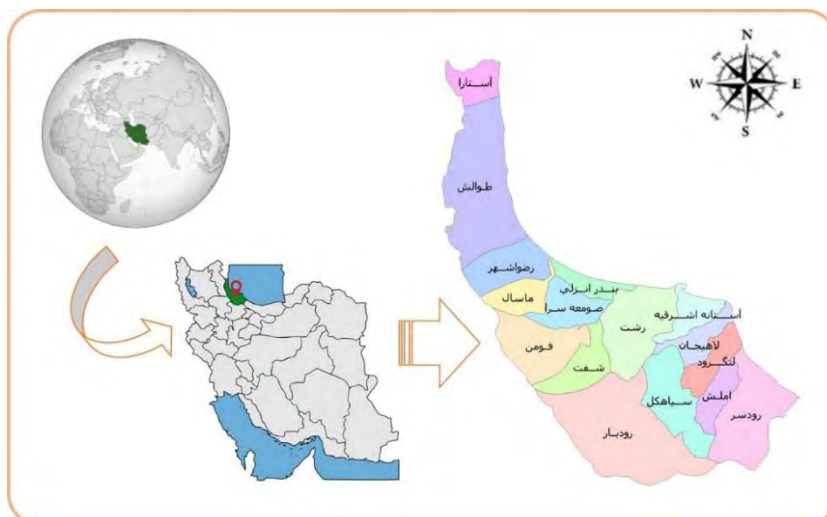
بیان مسأله

در دوران معاصر افزایش میزان شهرنشینی و تعداد سکونتگاه‌های شهری به عنوان یکی از اساسی‌ترین مسائل مرتبط با توسعه نظام سکونتگاهی به شمار می‌رود. پیش‌بینی می‌شود تعداد جمعیت شهرنشین تا سال ۲۰۲۵ به حدود ۵ میلیارد نفر (Uwe, 2008: 1) و تا سال ۲۰۵۰ به ۷ میلیارد نفر برسد (Oliver, 2008: 21). پا به پای این تغییرات، پیدایش شهرهای نوپدیدی که غالباً به دلیل رشد نقاط روستایی و شناسایی آنها به عنوان شهر صورت می‌گیرد، سبب تغییرات بسیاری در نظام سکونتگاهی ملی-منطقه‌ای و سایر ابعاد اجتماعی، اقتصادی جوامع شده است. افزایش شمار نقاط شهری در دهه‌های اخیر بخصوص در کشورهای در حال توسعه مانند هند، چین و بالخصوص ایران با سرعت بسیار بالایی رخ داده که این به معنی تغییر ماهیت روابط اجتماعی و اقتصادی، نیاز به خدمات بیشتر و در نتیجه نیاز به برنامه‌ریزی بیشتر و بهتر برای این دسته از سکونتگاه‌ها و لزوم توجه به سایر پیامدهای ناشی از این امر می‌باشد.

کشور ایران نیز به دلیل روند فزاینده تبدیل سکونتگاه‌های روستایی به شهر طی چند دهه گذشته از این موضوع مستثنی نیست. روند افزایش شهرها، پس از اجرای اصلاحات ارضی (۱۳۴۲) در ایران تسریع شده (رهنمایی، ۱۳۸۸: ۱۴۵) و پس از انقلاب اسلامی با شدت بیشتری ادامه پیدا کرده است (زنگنه، ۱۳۹۲: ۵۲۵؛ عزیزی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۸۷). به طوری که بر اساس آمارهای رسمی افزایش تعداد شهرهای کشور از ۱۹۹ شهر در سال ۱۳۳۵ به ۱۲۴۳ شهر در سال ۱۳۹۵ گواهی بر این مدعاست. امری که ضرورت توجه بیشتر به موضوع تبدیل سکونتگاه‌های روستایی به شهر و عوامل و فرایندهای دخیل در آن را برجسته‌تر می‌سازد؛ چرا که می‌توان از طریق شناخت عوامل و فرایندهای مرتبط با شناخت نقاط روستایی به عنوان شهر، از نقاط قوت آن در برنامه‌ریزی‌های آتی بهره گرفته و نسبت به رفع نقاط ضعف آن اقدام نمود.

در میان مطالعات پژوهشی انجام شده در سطح کشور، برخی پژوهشگران روند تبدیل سکونتگاه‌های روستایی به شهر را به دلیل عواملی نظیر افزایش جمعیت این دسته از سکونتگاه‌ها (ضیاءتوانا و امیرانتخابی، ۱۳۸۶؛ قرخلو و همکاران، ۱۳۸۷، ۵۴؛ تقوایی و صابری، ۱۳۸۹) می‌دانند. گروه دیگری از پژوهشگران (نظیر گلی و عسگری، ۱۳۸۳؛ گلی و همکاران، ۱۳۸۳؛ رهنمایی، ۱۳۸۸؛ عسگری، ۱۳۹۱) معتقدند که در ایران فرآیند تبدیل سکونتگاه‌های روستایی به شهر بدون ارزیابی کافی صورت می‌گیرد و بسیاری از سکونتگاه‌ها در شرایطی به شهر تبدیل می‌شوند که فاقد پیش‌نیازها و زیرساخت‌های ضروری هستند و در نتیجه معیارهای فعلی تبدیل روستا به شهر در ایران بیش از آنکه علمی و منطقی باشد، متأثر از عوامل سیاسی و تقاضاهای مردمی است. برخی پژوهشگران (نظیر سعیدی، ۱۳۸۸) نیز تبدیل سکونتگاه‌های روستایی به شهر را راهبردی برای توسعه نواحی محروم محسوب نموده‌اند. بر این اساس به نظر می‌رسد که توافقی روی عوامل و فرایندهای موثر بر تبدیل سکونتگاه‌های روستایی به شهر در کشور وجود ندارد که نیازمند موشکافی بیشتر است.

در این پژوهش بر استان گیلان به عنوان نمونه مورد مطالعه تمرکز شده است. دلایل بسیاری را می‌توان برای توجیه اهمیت مسئله تبدیل سکونتگاه‌های روستایی به شهر در استان گیلان مورد توجه قرار داد؛ از جمله اینکه استان گیلان به عنوان یکی از سه استان منطقه ساحلی شمال، طی شش دهه گذشته همواره با افزایش تعداد نقاط شهری مواجه بوده که یکی از عوامل افزایش میزان شهرنشینی در استان محسوب می‌شود؛ به طوری که تعداد شهرهای این استان از ۱۰ شهر در سال ۱۳۳۵ به ۵۲ شهر در سال ۱۳۹۵ رسیده است. بررسی تعداد و جمعیت شهرها نشان می‌دهد که شهرهای کمتر از ۵۰ هزار نفر (شهرهای کوچک) همواره بیشترین تعداد شهرها با کم‌ترین میزان جمعیت را در تمام دوره‌های سرشماری به خود اختصاص داده‌اند که غالباً از جمله سکونتگاه‌های روستایی هستند که طی چند دهه اخیر به عنوان شهر شناخته شده‌اند (کریمی و همکاران، ۱۳۹۱، ۷۱). مضافاً این منطقه اساساً به عنوان یکی از مناطق اصلی تولید محصولات کشاورزی و زراعی در کشور محسوب شده است؛ در حالی که تبدیل سکونتگاه‌های روستایی به شهر با تغییراتی در سازمان فضایی و نظام کاربری‌ها همراه است که ممکن است سبب نابودی ظرفیت‌های کشاورزی منطقه شود. علاوه بر این نباید از یاد برد که بخش مهمی از جنگل‌های کشور در منطقه ساحلی شمال واقع شده‌اند و تبدیل سکونتگاه‌های روستایی به شهر می‌تواند خطری برای نابودی این مناطق تلقی شود. از سوی دیگر افزایش بی‌رویه شمار سکونتگاه‌های شهری می‌تواند سبب برهم خوردن تعادل نظام سکونتگاهی شود. بدین‌سان از آنجایی که افزوده شدن نقاط شهری و تبدیل سکونتگاه‌های روستایی به شهر خود می‌تواند واجد اثرات متفاوتی بر نظام سکونتگاهی کل استان و نواحی تشکیل دهنده آن باشد، این موضوع ضرورت مطالعه عوامل و فرایندهای موثر بر تبدیل سکونتگاه‌های روستایی به شهر در استان را روشن می‌سازد. امری که در این پژوهش مورد بحث قرار خواهد گرفت.



شکل ۱. جایگاه محدوده مورد مطالعه در کشور و تقسیمات سیاسی آن

مبانی نظری

در دوره‌های گذشته پیدایش و رشد شهرها به صورت ارگانیک رخ داده و عوامل تعیین کننده رشد شهری غالباً عوامل درون‌زا و محلی بودند. از این نظر به طور طبیعی سکونتگاه‌های روستایی مانند سایر پدیده‌های طبیعی، فرایند تحول خود را طی کرده و در این میان سکونتگاه‌هایی که از ویژگی‌های خاصی برخوردار بودند، به شهر تبدیل می‌شدند (گلی و همکاران، ۱۳۸۳: ۱۵۴؛ فیروزنیا و همکاران، ۱۳۸۶: ۴). طی یک قرن اخیر، بر اثر تحولات صورت گرفته در نظام اجتماعی-اقتصادی کشورها، دیگر تمایز شهر و روستا به سهولت ممکن نبوده و امری مورد مناقشه محسوب می‌شود. از این رو، امروزه غالباً در شناخت شهر بر طبقه‌بندی‌هایی تأکید می‌شود که از نظر آماری، سیاسی، قانونی یا عملکردی ارایه می‌شوند و آنچه به عنوان میزان شهرنشینی و شمار سکونتگاه‌های شهری در کشورها معرفی می‌گردد، بر اساس اطلاعات حاصل از نهادهایی است که جمع‌آوری و پردازش اطلاعات آماری را بر عهده دارند (عزیزی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۸۸). بدین‌سان، قضاوت درخصوص میزان شهرنشینی و تعداد شهرهای یک کشور، به نحوه تعریف شهر وابسته است.

از بعد نظری، برخی محققین معتقدند می‌توان از طریق سه رویکرد نوسازی، دوگانگی شهری و وابستگی، بر شهرنشینی، محرک‌ها و اثرات آن تمرکز نمود. دیدگاه نوسازی شهرنشینی را به عنوان بخشی از یک فرایند طبیعی در نظر می‌گیرد (Bradshaw & Noonan, 1997: 10)، که در آن چنین فرض می‌شود که برای نوسازی یک جامعه سنتی یا کشاورزی، باید به سوی یک جامعه مدرن یا صنعتی شده حرکت نمود و در این روند، شهرنشینی دارای اثرات مثبتی بر روی توسعه اجتماعی و اقتصادی بوده و می‌بایست مورد تشویق قرار گیرد (Njoh, 2003: 168). در رویکرد تقسیم کار سرزمینی (Massey, 1984; Scott, 1988) که به نوعی با رویکرد نوسازی مرتبط است، به این نکته تأکید می‌شود که شهرنشینی بر مبنای تنوع و تمرکز جغرافیایی فعالیت‌های اقتصادی، صنایع و نیروی کار قابل توضیح است (Dunford, 2003). در این رویکرد تمرکز جمعیت شهری، وابسته به فرم‌های تولید و تصمیمات شرکت‌های چند ملیتی برای انطباق با تغییرات اقتصادی و تکنولوژیک است (Birch & Mykhnenko, 2009). بدین ترتیب گرچه در دوره‌های پیشین بر نقش صنعت در رشد شهرنشینی تأکید می‌شد، امروزه تغییرات جهانی و شرکت‌های چندملیتی به عنوان عوامل مهم جدید مطرح شده‌اند.

نظریه پردازان دوگانگی شهری، موضوع شهرنشینی را به عنوان یک فرایند طبیعی در نظر نمی‌گیرند؛ بلکه ایشان معتقدند که شهرنشینی فرآورده سیاست‌های دولتی بوده که به طور سیستماتیک منابع طبیعی ارزشمند را برای انتقال به نواحی مادرشهری کانالیزه می‌کند. گرچه این‌گونه سرمایه‌گذاری در نواحی شهری در کوتاه مدت می‌تواند به رشد اقتصادی منجر شود، در دراز مدت این راهبرد از رسیدن به توسعه متوازن عاجز بوده و سرمایه‌گذاری در کشاورزی تنها راه ممکن برای رسیدن به توسعه مطلوب تلقی می‌شود (Dumont & Mottin, 1977; Stren, 1975). لذا دخالت دولت‌ها در تبدیل روستاها به شهرها بیش از آنکه دارای مزیت باشد سبب بروز مشکلات بسیار برای نظام سکونتگاهی خواهد شد. در نظریه دولت و شهرنشینی (رهنمایی، ۱۳۷۳ و رهنمایی، ۱۳۸۸) که

برای تبیین تغییرات شهرنشینی در ایران ارایه شده است، چنین انگاشته می‌شود که با شکل‌گیری مفهوم «دولت حاکم-کارگزار-کارفرما» به دلیل وجود درآمدهای نفتی، دولت برای انجام امور کارگزاری، تصدی‌گری امور و اعمال حاکمیت خود بر پایگاه‌های شهری به استقرار عناصر و عوامل خود نیازمند است و به همین دلیل برای رسیدن به اهداف خود، ناگزیر از تقویت و افزایش تعداد شهرهاست. شهرهای توریستی، نفتی، اداری-سیاسی، نظامی و نوشهرها در ایران، مدل‌هایی از توسعه شهری هستند که سازماندهی آنها با مباحث دولت صورت گرفته است (رهنمایی، ۱۳۸۸؛ مشکینی و رحیمی، ۱۳۹۲).

نظریه‌پردازان وابستگی ادعا می‌کنند که نفوذ سرمایه‌داری و از بین رفتن سیستم معیشتی و اقتصاد محلی به دلیل عدم قدرت رقابت با اقتصاد جهانی، نقش اصلی را در تغییر و تحولات و رشد شهرها دارد. ایمانوئل والرشتاین بر این تأکید می‌کند که نظام شهری در اقتصاد بازار به گونه سلسله‌مراتبی سازمان می‌یابد تا مازاد تولید با سهولت بیشتری از سطوح پایین نظام به سطح فوقانی آن انتقال یابد. در این فرایند شهر به عنوان جایگاه به وقوع پیوستن استعمار نوین جلوه‌گر می‌شود و به طور غیرقابل کنترل رشد می‌کند و نرخ رشد و شدت تغییرات در روند توسعه شهری و تحولات در ساختار و سازمان شهری به سیستم جهانی وابسته می‌شود (بهنام‌فر، ۱۳۹۱). بدین ترتیب فعال شدن دافعه‌های روستایی و جاذبه‌های شهری، خود معلول ادغام اقتصاد جهان سوم در اقتصاد آزاد جهانی و نفوذ سرمایه‌داری در شرایط سلطه به شمار می‌رود. روندهای شهرنشینی سبب می‌شود ساکنان روستایی از زمین‌هایشان محروم شده و وادار به مهاجرت به شهرها شوند (Bradshaw & Noonan, 1997). از این رو پژوهشگرانی نظیر اسمیت (۲۰۱۴) و توماس (۲۰۱۶) معتقد هر دو نوع مداخله بالا به پایین و پایین به بالا در دگرگونی مناطق روستایی و شکل‌گیری نقاط شهری تأثیرگذار هستند. از نظر تاریخی این امر از طریق سازوکارهای گوناگونی مانند اصلاحات ارضی، مالیات، مهاجرت اجباری و اسکان عشایر حاصل شده است (چایچیان، ۱۳۹۱: ۸). امری که نهایتاً منجر به این می‌شود که شهرنشینی معاصر کشورهای در حال توسعه ادامه شهرنشینی تاریخی این کشورها نبوده و پویایی تحمیل شده و برونزا (عظیمی، ۱۳۸۱: ۴۰) محسوب شود. پیامد چنین روندی، افزایش شدید شمار جمعیت شهرنشین و نیز شمار شهرهای یک کشور بدون تغییر در نقش و کارکرد اقتصادی آنها خواهد بود.

روش پژوهش

این پژوهش از نظر هدف در زمره تحقیقات توسعه‌ای جای می‌گیرد. به منظور تبیین فرایند تبدیل سکونتگاه‌های روستایی به شهر در استان گیلان، بر روش نظریه زمینه‌ای که یکی از روش‌های کیفی مبتنی بر استقرا است، تمرکز شده است. در نظریه زمینه‌ای هدف کشف نظریه، به مفهوم دانستن آن چیزی که در جریان است و توجه به بخش‌هایی که قبلاً مطالعه نشده یا نظریات متفاوتی در مورد آنها وجود دارد (Goulding, 1999 Jones et al., 2005؛ ازکیا و ایمانی جاجرمی، ۱۳۸۴: ۴۶) یا ادبیات پژوهشی موجود نتوانسته مسایل مربوط به آن را ریشه‌یابی کند (Solhi & Rahmanian, 2016) می‌باشد. عناصر نظریه زمینه‌ای شامل سه عنصر اصلی هستند که عبارتند از: مفاهیم که اساسی‌ترین واحدهای تحلیل هستند و از طریق مفهوم‌سازی داده‌ها حاصل می‌شوند. مقوله‌ها که نسبت به مفاهیم در سطح بالاتری قرار می‌گیرند. قضایا که بیانگر تعمیم ارتباطات میان یک یا چند طبقه می‌باشند. مراحل اجرای پژوهش به شیوه نظریه زمینه‌ای عبارتند از: ۱- طرح پژوهش ۲- گردآوری داده‌ها ۳- تنظیم داده‌ها در سه مرحله: الف: کدگذاری باز ب: کدگذاری محوری ج: کدگذاری انتخابی ۴- تجزیه و تحلیل داده‌ها: ثبت اندیشه‌ها و تفسیر داده‌ها ۵- طراحی و اعتبار مدل (نگارش و تدوین تئوری). برای این منظور جمع‌آوری داده‌ها، از طریق مصاحبه نیمه ساختاریافته (مصاحبه عمیق)، انجام شده است. به منظور تأمین روایی تحقیق از استراتژی بازخورد مشارکت‌کننده^۲ استفاده شده است (Johnson, 1997: 283)؛ برای این منظور تفسیر محقق از اظهارات مصاحبه‌شوندگان به ایشان ارایه گردیده و با توجه به بازخوردهای دریافتی، اصلاحات ضروری در برداشتها انجام شده است (کریمی و همکاران، ۱۳۹۳: ۹۹؛ وحیدی برجی و همکاران، ۱۳۹۶: ۸). داده‌های استفاده شده در این بخش در زمره داده‌های دست اول قرار می‌گیرند. تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزارهای MSO2013 و MAXQDA10 انجام شده است.

^۱. گرچه در ترجمه Grounded Theory به زبان فارسی معادل‌هایی چون تئوری بنیانی، نظریه مبنایی، نظریه زمینه‌ای، نظریه بازکاوی، نظریه پایه‌ای و غیره به کار گرفته شده است؛ در این مقاله از اصطلاح نظریه زمینه‌ای به‌عنوان معادل مطلوب استفاده می‌گردد.

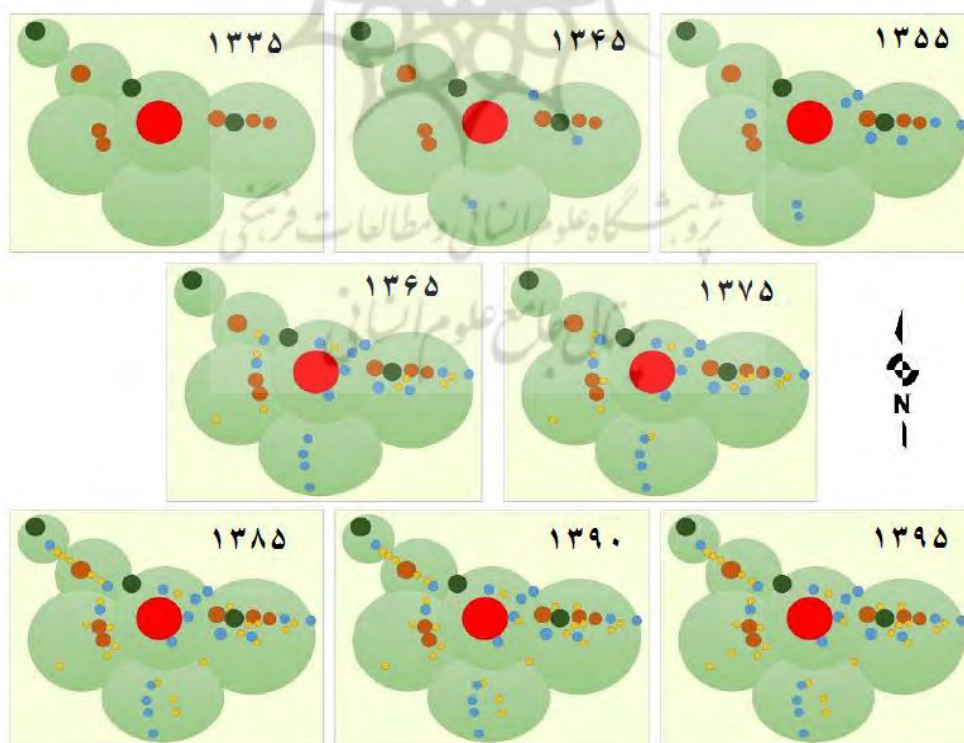
^۲. Participant Feedback

محدوده مورد مطالعه

استان گیلان، یکی از استان‌های شمالی ایران است که حدود ۱۴ هزار کیلومتر مربع مساحت دارد. مطالعه اجمالی شرایط شهرنشینی در دوران معاصر نشان می‌دهد که روند افزایش شهرهای استان طی چند دهه اخیر همواره به صورت صعودی بوده و از ۱۰ شهر در سرشماری ۱۳۳۵ به ۵۲ شهر در سرشماری ۱۳۹۵ رسیده است. گرچه نتایج سرشماری‌های مختلف نشان می‌دهد همواره ضریب شهرنشینی استان از متوسط کشور پایین‌تر است؛ ولی روند تغییرات نشانگر این است که شکاف بین ضریب شهرنشینی استان با کشور در حال کاهش است؛ به طوری که در سال ۱۳۸۵ ضریب شهرنشینی استان ۱۴٫۶ درصد از متوسط کشور پایین‌تر بوده که این میزان در سال ۱۳۹۵ به ۱۰٫۷ درصد کاهش یافته است (سازمان برنامه و بودجه استان گیلان، ۱۳۹۶).

از نظر تاریخی، شیوه سکونت‌گزینی در منطقه گیلان به صورت خانوارهای پراکنده روستایی بود که در برخی نقاط از جمله نقاط گره‌گاهی به شکل متراکم‌تر درآمده و به تدریج به ظهور شهرها انجامیده است (عظیمی، ۱۳۹۱: ۲۲۳). بررسی تاریخی عوامل موثر بر شکل‌گیری ساختار نظام شهری استان، نشانگر این است که اقتصاد معیشتی، ناپایداری قدرت سیاسی، فقدان امنیت اجتماعی، نبود مالکیت خصوصی و نبود محرک‌های قوی خارجی، از جمله عواملی بوده‌اند تمرکز جمعیت در نواحی مختلف استان را به شدت محدود کرده‌اند (سازمان برنامه و بودجه استان گیلان، ۱۳۹۶).

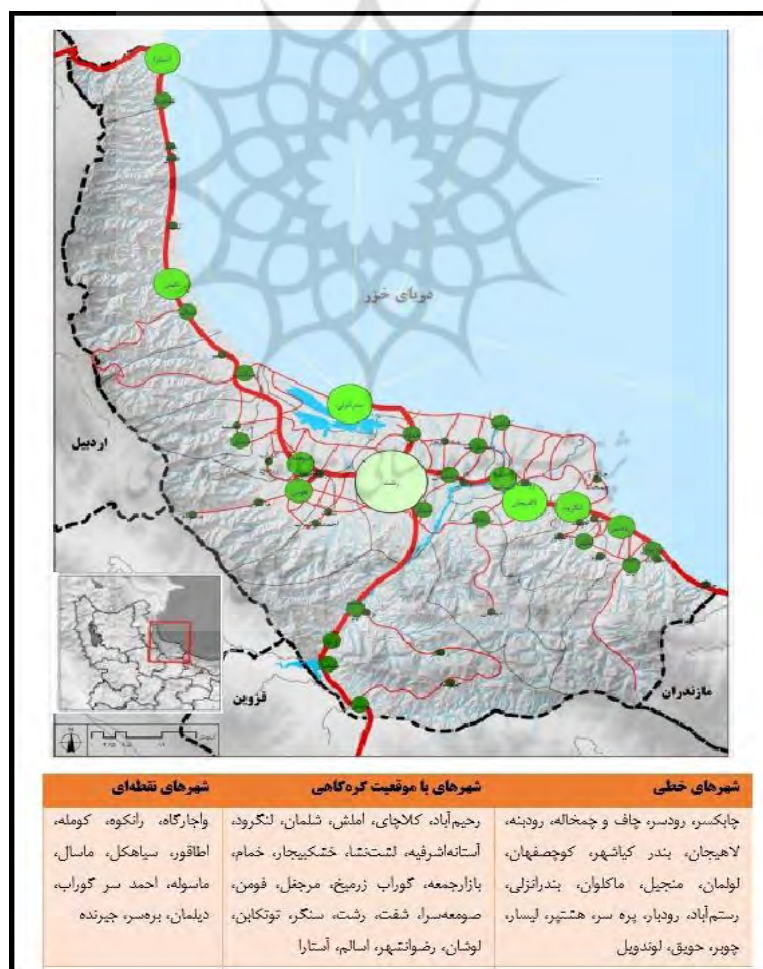
به طور کلی، تقریباً تمام نقاط شهری استان گیلان بر پایه وجود حداقل یک مکان بازاری در آنها شکل گرفته‌اند (عظیمی، ۱۳۸۹)؛ با این حال بررسی ویژگی‌های اقتصادی شهرهای استان در سال ۱۳۹۰ بر مبنای نقش شهرها و تنوع بخش‌های اقتصادی آنها، نشان می‌دهد که بسیاری از این شهرها، هنوز از اقتصاد وابسته به کشاورزی عبور نکرده‌اند. از میان شهرهایی که در مجاورت صنایع بزرگ یا شهرک‌های صنعتی قرار دارند، تنها شهرهای احمد سرگوراب، اطاقور، توتکابن، حویق، رستم‌آباد و لوشان، شهرهای تبدیل شده از سکونتگاه‌های روستایی طی سه دهه اخیر هستند که به جز شهرهای لوشان، دیلمان و اسالم، بقیه شهرهای نوپدید تاسیسات صنعتی خاصی در نزدیکی خود ندارند. الگوی پراکنش شهرها در فضای جغرافیایی نشان می‌دهد که در اطراف نقاط گمرکی و بندری (انزلی و آستارا) کمترین میزان شکل‌گیری شهرها را می‌توان شاهد بود که نشان دهنده عدم تاثیر اقتصاد فراملی بر این دسته از سکونتگاه‌هاست.



شکل ۲. الگوی شماتیک روند گسترش شهرها در پهنه‌های فضایی استان طی شش دهه اخیر

از نظر ارتباطی، نقاط شهری قدیمی استان در مناطق جلگه‌ای با دسترسی به شبکه‌های ارتباطی محدود آن زمان شکل گرفته بودند. در متون تاریخی گیلان تمام نقاطی که به عنوان شهر نام برده شده بی استثنا مراکز اداری قدرت‌های محلی بودند (عظیمی، ۱۳۹۱: ۲۲۳). پس از ساخت جاده کناره ساحلی در دوره پهلوی، به تدریج زنجیره شهری در امتداد ساحل و اطراف شهر رشت در مرکز جغرافیایی و سیاسی استان، به عنوان محل تلاقی راه‌های ارتباطی اصلی استان گیلان شکل گرفت. فارغ از شهرهای ساحلی، تنها شهر آستارا با کشور آذربایجان، مرز مشترک دارد و سایر شهرها صرفاً با نواحی داخلی مرتبطند. اغلب شهرهای استان در وهله اول شهرهایی هستند که در یک موقعیت گره‌گامی شکل گرفته‌اند. این گونه از شهرها، به دلیل قرارگیری در نقطه‌ای که ارتباط میان دسته‌ای از سکونتگاه‌های مختلف را فراهم می‌آوردند پدید آمده‌اند. در وهله بعدی شهرهایی که در حاشیه شبکه ارتباطی اصلی در سطح استان شکل گرفته‌اند هستند. اغلب این شهرها، شهرهایی هستند که در حاشیه جاده ساحلی کناره شکل گرفته‌اند.

از نظر فضایی-زمانی، نظام شهری استان در سال ۱۳۳۵ از یک ساختار فضایی با سه خوشه شهری شکل می‌گرفت که در آن خوشه شرق سپیدرود به صورت زنجیری، خوشه مرکزی به صورت اقماری و خوشه کوهستانی غربی به صورت دوقطبی عمل می‌نمود. در سال ۱۳۴۵ دو خوشه شرقی و مرکزی تقویت می‌شوند اما خوشه غربی تغییری در ساختار خود ندارد. در این دوره اولین مرکز مستقل در ناحیه جنوبی شکل می‌گیرد. روند مشاهده شده در سال ۱۳۵۵ نیز ادامه روند پیشین در سال ۱۳۴۵ است. از سال ۱۳۶۵ به تدریج روند تحول ناحیه غربی نیز آغاز می‌شود با این حال تحول اصلی در نواحی مرکزی با تکمیل ساختار اقماری و ناحیه شرقی با امتداد زنجیره شهری و پس از آن در ناحیه کوهستانی رخ می‌دهد. در دوره‌های بعدی نیز همین روند به تدریج ادامه می‌یابد که نهایتاً منجر به شکل‌گیری شبکه زنجیره‌ای در شرق و غرب، شبکه زنجیره‌ای به همراه مراکز فرعی در جنوب و شبکه اقماری در مرکز می‌شود.



شکل ۳. موقعیت و فرم نقاط شهری استان در ارتباط با راه‌های دسترسی

ماخذ: بر اساس مهندسین مشاور نقش جهان پارس، ۱۳۹۱

از بعد تقسیمات سیاسی، تا قبل از سال ۱۳۱۰ تعداد ۱۱ شهر دارای شهرداری در استان گیلان وجود داشتند. این تعداد تا سال ۱۳۳۰ به ۱۷ رسیده و در فاصله زمانی ۱۳۳۱ تا ۱۳۵۰ به ۲۹ شهر افزایش یافت. پس از انقلاب با انطباق مفهوم شهر در سرشماری‌ها و قوانین اداری، تعداد شهرها به ۳۵ شهر در سال ۱۳۷۵ و نهایتاً به ۵۲ شهر در سال ۱۳۹۱ رسید. علاوه بر این، افزایش شمارها طی حدود یک قرن اخیر نشان می‌دهد که شمار شهرها در هر ۱۰۰ کیلومترمربع از حدود ۸ شهر به ۳۷ شهر یعنی بیش از ۴٫۵ برابر افزایش یافته است. متوسط تعداد شهر در شهرستان برابر ۳٫۲۵ است.

از میان کل شهرهایی که طی شش دهه اخیر در سرشماری‌های رسمی به عنوان شهر محسوب شده‌اند، ۲۱ شهر پیش از انقلاب دارای شهرداری بوده‌اند؛ با این حال برخی از این نقاط تا سال ۱۳۶۵ که شاخص داشتن شهرداری رسماً به عنوان ملاک شناخت شهر در ایران مطرح شد، در سرشماری‌ها به عنوان شهر محسوب نشدند. با مطرح شدن شاخص داشتن شهرداری برای شناخت شهر در سال ۱۳۶۲، نیز ۲۲ شهرداری پس از انقلاب اسلامی تاسیس شدند. بیشترین شمار شهرها در دهه ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵ به تعداد ۱۴ شهر ایجاد شده‌اند. طی دهه ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵، تعداد ۵ شهرداری و در یک دهه اخیر نیز ۳ شهرداری ایجاد شده‌اند.

جدول ۱. مقایسه سال تاسیس شهرداری و لحاظ شدن در سرشماری برای شهرهای نوپدید استان گیلان

شهر	سال تاسیس شهرداری	سال اولین سرشماری	جمعیت اولین سرشماری	جمعیت سرشماری ۱۳۹۵	شهر	سال تاسیس شهرداری	سال اولین سرشماری	جمعیت اولین سرشماری	جمعیت سرشماری ۱۳۹۵
هشتپر	۱۳۳۰	۱۳۳۵	۳۳۵۴	۵۴۱۷۸	رستم آباد	۱۳۷۲	۱۳۷۵	۹۹۷۷	۱۳۷۴۶
رودبار	۱۳۱۱	۱۳۴۵	۴۱۰۹	۱۰۵۰۴	تولم شهر	۱۳۷۲	۱۳۷۵	۶۱۵۶	۶۷۳۵
کیاشهر	۱۳۰۹	۱۳۴۵	۶۶۶۳	۱۴۰۲۲	شلمان	۱۳۷۲	۱۳۷۵	۶۲۴۰	۵۱۰۲
املش	۱۳۳۶	۱۳۴۵	۵۲۵۰	۱۵۴۴۴	جیرنده	۱۳۷۲	۱۳۷۵	۲۹۱۴	۲۳۲۰
سیاهکل	۱۳۰۸	۱۳۵۵	۶۶۶۴	۱۹۹۲۴	لوندویل	۱۳۸۲	۱۳۸۵	۶۳۷۲	۱۱۳۳۵
منجیل	۱۳۴۳	۱۳۵۵	۷۱۶۴	۱۵۶۳۰	حویق	۱۳۸۲	۱۳۸۵	۱۲۳۷	۴۲۶۱
ماسال	۱۳۴۰	۱۳۵۵	۸۲۸۱	۱۷۹۰۱	لیسار	۱۳۷۹	۱۳۸۵	۲۶۱۰	۳۶۴۷
چابکسر	۱۳۴۰	۱۳۵۵	۶۴۳۶	۸۲۲۴	اسالم	۱۳۷۹	۱۳۸۵	۳۳۶۰	۱۰۷۲۰
کلاچای	۱۳۳۳	۱۳۵۵	۸۵۷۳	۱۲۳۱۹	بازارجمعه	۱۳۷۸	۱۳۸۵	۳۹۷۴	۵۷۲۹
لشت‌نشاء	۱۳۲۹	۱۳۵۵	۶۳۳۱	۱۰۵۳۹	گوراب زرمیخ	۱۳۷۸	۱۳۸۵	۴۱۹۱	۴۸۴۰
خمام	۱۳۲۹	۱۳۶۵	۷۸۱۴	۲۰۸۹۷	رودبنه	۱۳۷۹	۱۳۸۵	۳۵۹۴	۳۴۴۱
لوشان	۱۳۶۲	۱۳۶۵	۹۰۵۶	۱۳۰۳۲	اطاقور	۱۳۷۹	۱۳۸۵	۱۵۴۲	۱۹۳۸
رضوانشهر	۱۳۳۲	۱۳۶۵	۶۵۸۰	۱۹۵۱۹	رانکوه	۱۳۸۲	۱۳۸۵	۹۶۴	۲۱۵۴
کومله	۱۳۴۱	۱۳۶۵	۵۰۳۸	۶۴۵۷	دیلمان	۱۳۷۸	۱۳۸۵	۱۴۵۵	۱۷۲۹
شفت	۱۳۳۱	۱۳۶۵	۴۴۸۱	۸۱۸۴	توتکابن	۱۳۷۵	۱۳۸۵	۱۶۷۱	۱۵۱۰
پره‌سر	۱۳۴۱	۱۳۶۵	۴۹۹۶	۸۰۱۶	پره‌سر	۱۳۷۹	۱۳۸۵	۱۶۵۹	۱۶۱۲
رحیم آباد	۱۳۴۱	۱۳۶۵	۶۱۷۳	۱۰۵۷۱	چوبر	۱۳۸۳	۱۳۸۵	۱۴۸۱	۵۵۵۴
ماسوله	۱۳۴۱	۱۳۶۵	۱۱۳۲	۳۹۳	احمد سرگوراب	۱۳۷۹	۱۳۸۵	۲۲۷۸	۲۱۲۸
خشکیبجار	۱۳۴۰	۱۳۶۵	۶۳۲۸	۷۲۴۵	لولمان	۱۳۸۸	۱۳۹۰	۳۵۵۸	۷۴۲۶
واچارگاه	۱۳۴۴	۱۳۶۵	۵۸۹۲	۴۵۲۷	چاف و چمخاله	۱۳۸۸	۱۳۹۰	۴۴۹۴	۸۸۴۰
سنگر	۱۳۰۸	۱۳۶۵	۵۳۰۹	۱۲۵۸۳	ماکلوان	۱۳۹۱	۱۳۹۵	۱۶۳۵	۱۶۳۵
کوچصفهان	۱۳۰۸	۱۳۶۵	۶۷۲۴	۱۰۰۲۶					

در سرشماری‌های قبل از انقلاب اسلامی، تنها دو شهر هشتپر و رودبار به دلیل داشتن شهرداری پیش از رسیدن به حد جمعیتی ۵۰۰۰ نفر به نظام شهری افزوده شده‌اند. شهرهای رشت، لاهیجان، لنگرود، رودسر، آستانه اشرفیه، بندر انزلی، آستارا، فومن و صومعه‌سرا، شهرهایی بوده‌اند که قبل از اولین سرشماری (۱۳۳۵) دارای شهرداری بوده و جمعیتی بیش از ۵۰۰۰ نفر داشته‌اند. در سال ۱۳۳۵ هشتپر تنها نقطه شهری بود که با ویژگی‌های تعریف شده از شهر در آن سرشماری انطباق نداشت و ۹ نقطه دیگر که

به‌عنوان شهر معرفی شده‌اند، دارای شهرداری و جمعیت بیش از ۵۰۰۰ نفر بوده‌اند که می‌توان از آنها به‌عنوان شهرهای تاریخی منطقه نام برد. در دوره ۱۳۳۵-۱۳۴۵، شهرهای بندرکاشهر، املش و رودبار به نظام شهری افزوده شدند که تنها رودبار جمعیتی کمتر از ۵۰۰۰ نفر داشت. طی دهه ۱۳۴۵-۱۳۵۵ شش نقطه چابکسر، سایهکل، کلاچای، لشت‌نشا، ماسال و منجیل به‌عنوان شهر شناخته شدند که همگی بیش از ۵۰۰۰ نفر جمعیت داشتند. بین سال‌های ۱۳۵۵-۱۳۶۵، مجموعاً ۱۲ نقطه به شهر تبدیل شدند که به‌علت مطرح شدن ملاک داشتن شهرداری برای شناخت شهر، ۳ نقطه شهری ماسوله، پره‌سر و شفت به‌رغم داشتن جمعیت کمتر از ۵۰۰۰ نفر، شهر محسوب گردیدند.

در دهه ۱۳۶۵-۱۳۷۵ نیز ۴ نقطه رستم‌آباد، جیرنده، شلمان و مرجعل به شهر تبدیل شدند. در دهه ۱۳۷۵-۱۳۸۵، بیشترین میزان تبدیل روستا به شهر رخ داد، به‌طوری‌که تعداد شهرها از ۳۵ شهر به ۴۹ شهر افزایش یافت که از میان ۱۴ شهر جدید، تنها یک نقطه (لوندویل) جمعیتی بیش از ۵۰۰۰ نفر داشت. در سرشماری سال ۱۳۹۰، دو شهر لولمان و چاف و چمخاله به‌عنوان نقطه شهری معرفی شدند که به ترتیب ۳۵۵۸ و ۴۴۹۴ نفر جمعیت داشتند. طی دوره ۱۳۹۰-۱۳۹۵، شهر ماکلوان به نظام شهری استان افزوده شد که تنها ۱۶۳۵ نفر جمعیت داشت.

یافته‌های پژوهش

در بخش‌های پیشین به این امر اشاره شد که چگونه نظام شهری استان طی زمان در سطح فضای جغرافیایی استان تکوین یافته است. در این بخش از پژوهش سعی خواهد شد با استفاده از نظریه زمینه‌ای عوامل و فرایندهای موثر بر تبدیل سکونتگاه‌های روستایی به شهر تبیین شوند. برای این منظور، ۱۵ نفر مورد مصاحبه قرار گرفتند که همگی مرد بودند. مدت جلسات مصاحبه در مجموع ۴۵۰ دقیقه و میانگین سابقه خدمتی مصاحبه‌شوندگان ۲۲ سال بود. دوره زمانی مصاحبه‌ها از بهمن ماه ۱۳۹۶ الی شهریور ۱۳۹۷ بود که بنا به ضرورت انتخاب کارشناسان صاحب نظر از مراکز مدیریتی مختلف برای مصاحبه صورت گرفت. ابتدا با سه نفر به‌عنوان مطلعین کلیدی مصاحبه شد که یک نفر از کارشناسان دفتر فنی استانداری گیلان، یک نفر از سازمان برنامه و بودجه و یک نفر از شهرداران اسبق یکی از شهرهای استان بودند. در آغاز مصاحبه، توضیح کوتاهی درباره موضوع، هدف و روش تحقیق داده می‌شد. سپس به روش گلوله برفی از خلال نام‌های مطرح شده در مصاحبه‌ها و نیز با طرح این سوال که چه افراد دیگری را واجد شرایط پاسخگویی به سوالات پژوهش می‌دانید، افراد دیگر برای هدف پژوهش انتخاب شدند.

Code System	Count
وابستگی به منابع اقتصادی ملی	0
وابستگی به درآمدهای ملی و خصوصاً نفت	5
بهره‌مندی از منافع غیر مستقیم	1
نادیده گرفتن ظرفیت‌های کلیدی	0
عدم توجه به ظرفیت‌های فرهنگی	1
عدم توجه به ساختار سکونتگاه	1
عدم دسترسی مناسب	3
عدم توجه به زیرساخت‌ها	5
عدم توجه به معیار جمعیتی	9
عدم توجه به حوزه نفوذ روستایی	1
نگرش مردم نسبت به شهر و روستا	0
برتر دانستن زندگی شهری نسبت به روستایی	11
خواست مردمی	10
بازتعریف نحوه مدیریت فضا	0
تجمیع روستاهای همجوار برای ایجاد شهر	13
تغییر روستاهای مرکز بخش به شهر	11
شکل‌گیری شهرستان‌های جدید	7
تمرکز زدایی	4
مداخله توسط قدرت سیاسی	0
تغییرات حاصل در تعاریف قانونی	10
تأثیر شخصیت‌های سیاسی	18
مداخله مراجع قدرت	1
مداخلات سیاسی کلان	13
Sets	0

شکل ۴. تصویر نمودار کدگذاری در MAXQDA10 در رابطه با علل تبدیل سکونتگاه‌های روستایی به شهر در استان گیلان

پس از استخراج روایت‌های کلی، به منظور تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها با روش نظریه زمینه‌ای، نسبت کدگذاری داده‌ها و استخراج مفاهیم و مقوله‌ها و نهایتاً ساخت تئوری بر اساس آنها اقدام شده است. در نهایت ۵ مقوله اصلی تحت عنوان مداخله توسط قدرت سیاسی، بازتعریف نحوه مدیریت فضا، نگرش مردم نسبت به شهر و روستا، نادیده گرفتن ظرفیت‌های کلیدی در زمان تبدیل به شهر و وابستگی به منابع اقتصادی ملی شناسایی شدند که سبب تشکیل مقوله هسته‌ای تحت عنوان عوامل موثر بر تبدیل سکونتگاه‌های روستایی به شهر، می‌گردند. جدول ذیل نتایج حاصل از کدگذاری محوری داده‌ها، مفاهیم و مقوله‌ها را نشان می‌دهد.

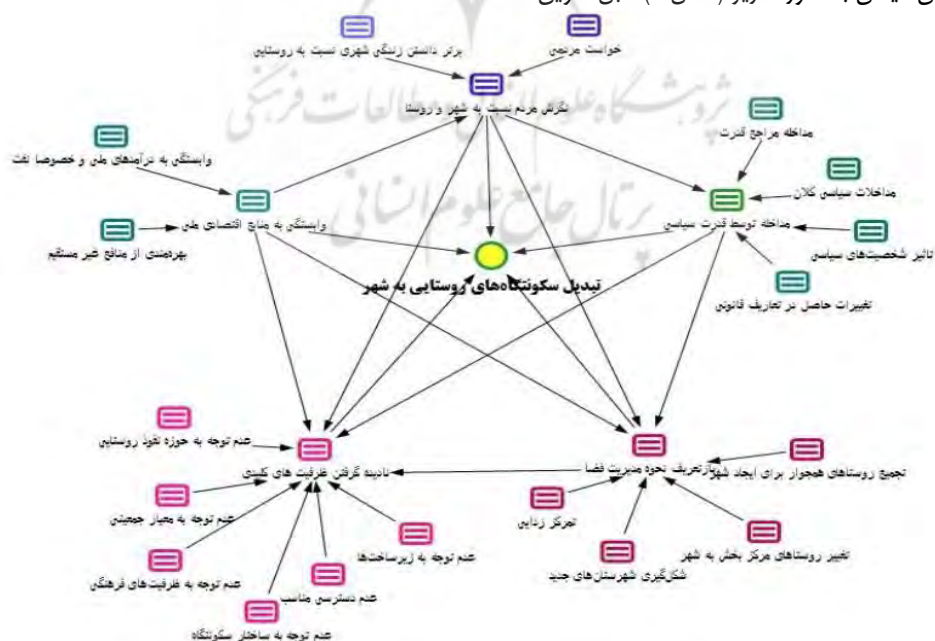
جدول ۲. کدبندی علل تبدیل سکونتگاه‌های روستایی به شهر با استفاده از نظریه زمینه‌ای

مفاهیم (کدگذاری باز)	مقوله‌ها (کدگذاری محوری)	تناوب تکرار فراوانی درصد	مقوله هسته
مداخلات سیاسی کلان، مداخله استانداری، تاثیر شخصیت‌های سیاسی، تغییرات حاصل در تعاریف قانونی	مداخله توسط قدرت سیاسی	۴۲	۳۳,۹
تمرکززدایی، شکل‌گیری شهرستان‌های جدید، تغییر روستاهای مرکز بخش به شهر، تجمیع روستاهای همجوار برای ایجاد شهر	بازتعریف نحوه مدیریت فضا	۳۵	۲۸,۲
تلاش‌های مردمی، برتر دانستن زندگی شهری نسبت به روستایی	نگرش مردم نسبت به شهر و روستا	۲۱	۱۶,۹
عدم توجه به معیار جمعیتی، عدم توجه به زیرساخت‌ها، عدم دسترسی مناسب، عدم توجه به ساختار سکونتگاه، عدم توجه به ظرفیت‌های فرهنگی، عدم توجه به حوزه نفوذ روستایی	نادیده گرفتن ظرفیت‌های کلیدی در زمان تبدیل به شهر	۲۰	۱۶,۱
بهره‌مندی از منافع غیر مستقیم، وابستگی به درآمدهای ملی و خصوصاً نفت	وابستگی به منابع اقتصادی ملی	۶	۴,۸

تبدیل سکونتگاه‌های روستایی به شهر

تحلیل یافته‌های پژوهش

برآیند مطالعات انجام شده به روش نظریه زمینه‌ای نشان می‌دهد که تبدیل سکونتگاه‌های روستایی به شهر در استان گیلان از طریق ۵ مولفه کلیدی رخ داده است که همگی به نوعی دارای ماهیت سیاسی هستند. این ۵ مولفه عبارتند از، مداخله توسط قدرت سیاسی برای تبدیل روستاها به شهر، بازتعریف نحوه مدیریت فضا، نگرش مردم نسبت به شهر و روستا (برتر دانستن شهر از روستا)، نادیده گرفتن ظرفیت‌های کلیدی سکونتگاه‌ها (عدم توجه به شرایط درونی و بیرونی سکونتگاه‌ها در تبدیل به شهر) و وابستگی سکونتگاه‌ها به منابع اقتصادی دولتی (اقتصاد مبتنی بر نفت). بر این مینا نمودار تئوری زمینه‌ای پدیده تبدیل سکونتگاه‌های روستایی به شهر در استان گیلان به صورت زیر (شکل ۵) قابل تدوین است.



شکل ۵. مدل نظری عوامل موثر بر تبدیل سکونتگاه‌های روستایی به شهر در این پژوهش

در میان مولفه‌های تبیین شده، مداخله توسط قدرت سیاسی و بازتعریف نحوه مدیریت فضا، بیش از ۶۰ درصد علل موثر بر تبدیل سکونتگاه‌های روستایی به شهر در استان گیلان را توضیح می‌دهند. این امر از دو جنبه به روشنی قابل مشاهده است. اول به دلیل تغییر در قوانین تقسیمات کشوری و نظام اداری-سیاسی درون استان که در افزایش شمار شهرستان‌ها و بخش‌های استان که ریشه در مناسبات سیاسی کلان کشور دارد؛ امری که مورد تاکید مصاحبه شوندگان در این پژوهش بود.

از نظر تقسیمات سیاسی نیز، گرچه طی یک دهه اخیر تقسیمات سیاسی استان گیلان با ثبات روبرو بوده است؛ با این حال طی چند دهه اخیر، به دلیل سیاست‌های کلان نظام سیاسی کشور به منظور افزایش نفوذ در بدنه ملی، با تسهیل و تغییر شرایط و ضوابط مربوط به ایجاد شهرستان‌ها و بخش‌های جدید، شمار شهرستان‌ها و بخش‌های استان طی چند دهه‌های پس از انقلاب اسلامی نزدیک به ۵۰ درصد رشد داشته است (جدول ۴)؛ که مویدی بر دیدگاه صاحب نظران در این رابطه است.

از نظر بسیاری از مصاحبه شوندگان چنین تغییراتی منجر به وقوع شرایط سیاسی-قانونی الزام آور برای ایجاد شهرهای جدید در استان گردیده است. از نظر ابزاری، این امر با تصویب قانون تبدیل یکصد مرکز بخش به شهر عملی گردید. در نتیجه از میان ۲۲ شهری که پس از انقلاب در سرشماری‌ها منظور شده‌اند، ۱۵ شهر بر اساس قاعده مرکز بخش شکل گرفته‌اند که ۶۸٫۲ درصد از شهرها را شامل می‌شود. از این میان به تنهایی ۷ شهر در سال ۱۳۷۹ ایجاد شده‌اند که همگی مرکز بخش بوده‌اند. در این میان ۱۳ شهر در دوره ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۳ یعنی در دوران دولت اصلاحات شکل گرفته‌اند که این امر را می‌توان با سیاست‌های آن دولت مبنی بر تمرکززدایی از امور و واگذاری قدرت به سطوح پایین حکومتی مرتبط دانست.

چنین شرایطی منجر به نادیده گرفتن سایر مولفه‌های کلیدی از جمله میزان جمعیت سکونتگاه شده است؛ به طوری که، از میان ۲۱ شهری که پس از سال ۱۳۷۵ به نظام شهری استان افزوده شدند تنها ۴ شهر بیش از ۵ هزار نفر جمعیت داشتند. از این رو، و عوامل موثر بر پیدایش شهرهای جدید در استان گیلان، مناسبت بسیاری با بنیان‌های نظریه دولت و شهرنشینی در ایران (رهنمایی، ۱۳۷۵ و ۱۳۸۸) دارد که اصلی‌ترین عامل رشد میزان شهرنشینی و شمار شهرهای جدید در پهنه کشور را متاثر از خواست دولت و شرایط سیاسی برای گسترش شهرنشینی در ایران و وابستگی این امر به اعتبارات دولتی و خصوصاً درآمدهای حاصل از فروش نفت می‌داند.

جدول ۳. تغییرات تقسیمات سیاسی استان گیلان ۱۳۳۵-۱۳۹۵

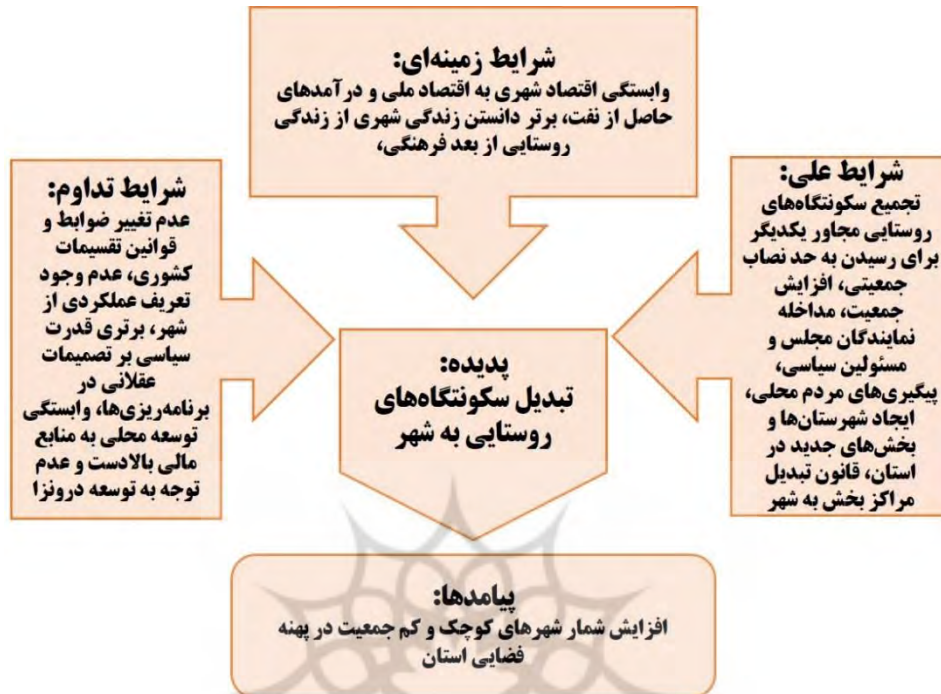
سال	تعداد شهرستان	تعداد بخش	تعداد شهر
۱۳۳۵	۱۱	۲۵	۱۰
۱۳۴۵	۱۱	۲۵	۱۳
۱۳۵۵	۱۱	۲۵	۱۹
۱۳۶۵	۱۱	۲۵	۳۱
۱۳۷۵	۱۲	۳۰	۳۶
۱۳۸۵	۱۶	۴۳	۴۹
۱۳۹۰	۱۶	۴۳	۵۱
۱۳۹۵	۱۶	۴۳	۵۲

ماخذ: مهندسین مشاور نقش جهان پارس، ۱۳۹۱، ۱۰ و سازمان برنامه و بودجه استان گیلان، ۱۳۹۶

مولفه کلیدی دیگر، مداخله نمایندگان در تسریع این امر و خواست درونی مردم برای تبدیل روستاها به شهر است. مفهوم‌سازی فرایند تبدیل سکونتگاه‌های روستایی به شهر بر مبنای نظریه زمینه‌ای روشن نمود که نقش بازیگران سیاسی و خصوصاً نمایندگان مجلس در شکل‌گیری شهرهای نوپدید در استان (پس از سال ۱۳۷۰) به عنوان اصلی‌ترین مولفه عمل نموده است. این امر علاوه بر اینکه متاثر از زمینه‌های فرهنگی (نظیر برتر دانستن زندگی روستایی به شهری و خجالت زدگی از عنوان روستا) بوده است، به دلیل تقاضای جذب اعتبارات دولتی بیشتر و نیز ایجاد فرصت‌های شغلی بیشتر در سکونتگاه‌های روستایی و حوزه‌های پیرامونی آن با ایجاد نهادهای سیاسی-اداری جدید می‌باشد.

یکی از مشهودترین ویژگی‌های الگوی فعلی تبدیل روستا به شهر در استان گیلان، تجمع چند روستای همجوار برای ایجاد یک شهر واحد است. در واقع همجواری و در هم تنیدگی سکونت در منطقه گیلان، سبب شده تا الگوی تجمعی در تبدیل روستا به شهر رایج باشد. همین امر نیز باعث شده تا با توجه به کوچک اندازه بودن روستاهای گیلان، تجمع چندین روستا برای بالا بردن میزان جمعیت و رسیدن به آستانه جمعیتی متداول (۵۰۰۰ نفر) رواج پیدا کند. به طوری که ۱۲ شهر با ادغام در سایر سکونتگاه‌های مجاور

این حد از جمعیت را به دست آورده‌اند و ۸ مورد از این سکونتگاه‌ها در زمان تبدیل به شهر کمتر از ۲۰۰۰ نفر جمعیت داشته‌اند. بر مبنای چنین روندی است که شهر چاف و چمخاله با تجمع ۱۴ روستا به عنوان یک شهر شناخته می‌شود که حتی در انتخاب اسم آن نیز توافقی وجود نداشته است. در نتیجه بر مبنای یافته‌های نظریه زمینه‌ای در این پژوهش، شرایط زمینه‌ای، شرایط علی، شرایط تداوم و پیامدهای مرتبط با تبدیل سکونتگاه‌های روستایی به شهر در استان گیلان به صورت زیر (شکل ۶) قابل تعمیم است.



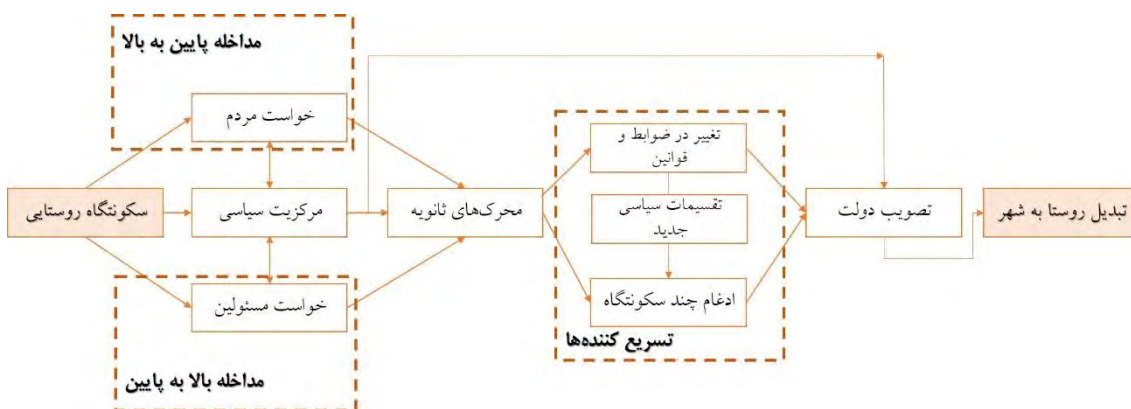
شکل ۶. نمودار تدوین تئوری زمینه‌ای پدیده تبدیل سکونتگاه‌های روستایی به شهر

نتیجه‌گیری

تبدیل سکونتگاه‌های روستایی به شهر در مفهوم جاری آن به معنی رسمیت بخشیدن به برخی سکونتگاه‌های روستایی به عنوان شهر از سوی دولت‌هاست. در این معنی شهر به عنوان سکونتگاهی تعریف می‌شود که از سوی دولت عنوان رسمی شهر را دریافت کرده باشد و سازوکارهای دولتی که برای شهرها تعریف شده است، در آن تاسیس شوند. در این پژوهش به تبیین علل موثر بر تبدیل سکونتگاه‌های روستایی به شهر در استان گیلان پرداخته شد. نتایج حاصل از نظریه زمینه‌ای نشان داد که این امر از طریق ۵ مولفه کلیدی رخ داده است که همگی به نوعی دارای ماهیت سیاسی هستند. این ۵ مولفه عبارتند از: مداخله توسط قدرت سیاسی برای تبدیل روستاها به شهر، بازتعریف نحوه مدیریت فضا، نگرش مردم نسبت به شهر و روستا (برتر دانستن شهر از روستا)، نادیده گرفتن ظرفیت‌های کلیدی سکونتگاه‌ها (عدم توجه به شرایط درونی و بیرونی سکونتگاه‌ها در تبدیل به شهر) و وابستگی سکونتگاه‌ها به منابع اقتصادی دولتی (اقتصاد مبتنی بر نفت).

از بعد فرایندی، شکل‌گیری نقاط شهری جدید در استان گیلان به صورت یک فرایند به هم پیوسته قابل تعریف است. در این فرایند، ابتدا مطالبه‌گری میان مردم محلی و نخبگان سیاسی-اجتماعی، پیش آمده و خواست ایجاد شهر به‌طور رسمی شکل می‌گیرد. با پیگیری مردمی که امری از پایین به بالا تلقی می‌شود، از طریق ابزارهای قانونی و تصویب دولت، پذیرش سیاسی شهر از بالا به پایین نیز صورت می‌گیرد و شهر به‌طور رسمی شناسایی می‌شود. ابزارهای قانونی در هر مرحله محمل‌های تسریع ایجاد شهر به‌طور رسمی را پدید می‌آورند (مانند قانون تبدیل مراکز بخش به شهر یا تغییر در معیارهای جمعیتی)؛ به طوری که ممکن است عملاً مداخله از بالا نقش مداخله از پایین را از بین ببرد که به صورت مداخله‌ای مطلقاً سیاسی و از بالا به پایین نمود می‌یابد که مصداق آن را می‌توان در قانون تبدیل یکصد روستای مرکز بخش به شهر مشاهده نمود. مضافاً در این مرحله محتمل است که به منظور رسیدن به حد نصاب‌های جمعیتی، عملکردی و غیره نسبت به تجمع چند سکونتگاه روستایی با یکدیگر برای ایجاد شهر توافق شود. در پایان این مرحله، نسبت به ایجاد نهادهای سیاسی اقدام می‌شود که اصلی‌ترین بخش آن ایجاد شهرداری است. بر این اساس روند

تبدیل سکونتگاه‌های روستایی به شهر پس از انقلاب اسلامی توجه اصلی خود را معطوف به انتقال امکانات سیاسی-اداری در وهله اول، به نقاط کمتر توسعه یافته دارد. در پایان این مرحله، نسبت به ایجاد نهادهای سیاسی اقدام می‌شود که اصلی‌ترین بخش آن ایجاد شهرداری است (شکل ۷).



شکل ۷. فرایند تبدیل سکونتگاه‌های روستایی به شهر پس از انقلاب اسلامی در استان گیلان

بررسی یافته‌های این پژوهش در ارتباط با دیگر پژوهش‌های مشابه نشان می‌دهد در انطباق با پژوهش ضیاءتوانا و امیرانتخابی (۱۳۸۶) ادغام و جمع‌بندی روستاهای مختلف برای ایجاد یک شهر، نقش موثری در تبدیل روستا به شهر در استان گیلان داشته است. مطابق با یافته‌های رهنمایی (۱۳۷۳ و ۱۳۸۸) و زنگنه شهرکی (۱۳۹۳) می‌توان نقش پررنگ مداخله سیاسی در تبدیل روستا به شهر در استان گیلان را تایید نمود. با این حال گرچه رهنمایی بر نقش دولت به صورت مداخله یکسویه در تبدیل سکونتگاه‌های روستایی به شهر تاکید می‌کند، نتایج این پژوهش نشان داد در کنار مداخله بالا به پایین، نقش مداخله پایین به بالا از طریق خواست مردمی و مداخله مسئولین سیاسی محلی در شکل‌گیری شهرهای جدید، تاثیر اساسی داشته است. از این رو، یافته‌های پژوهش با دیدگاه اسمیت (۲۰۱۴) و توماس (۲۰۱۶) که معتقد به تاثیر هر دو نوع مداخله بالا به پایین و پایین به بالا در دگرگونی مناطق روستایی و شکل‌گیری نقاط شهری هستند، مناسبت بیشتری دارد. مشابه با دیدگاه زنگنه شهرکی (۱۳۹۳) وجود رابطه‌ای میان ایجاد شهرهای نوپدید در شهرستان‌های تازه تاسیس قابل مشاهده است که دلیلی بر برتر بودن انتظارات و کارکردهای سیاسی از شهرهای نوپدید نسبت به سایر عملکردهای آنهاست.

منابع و مأخذ

- ازکیا، مصطفی، ایمانی جاجرمی، حسین. (۱۳۸۴). بررسی جامعه‌شناختی عوامل کارایی شوراهای اسلامی شهر. *فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی*، ۲۶-۳۳.
- امیر انتخابی، شهرام. (۱۳۹۴). پیامدهای تبدیل روستاها به شهر در ناحیه فومنات. *جغرافیا*، ۱۳، ۲۳۵-۲۵۱.
- بهنام‌فر، محمدحسن. (۱۳۹۱). در مسیر شهرنشینی. *کتاب ماه تاریخ و جغرافیا*، ۱۶۹، ۵۴-۶۰.
- چاپچیان، محمدعلی. (۱۳۹۱). *شهر و روستا در خاورمیانه: ایران و مصر در گذار تاریخی به جهانی شدن ۱۸۰۰-۱۹۷۰*. ترجمه حمیدرضا پارسا و آرزو افلاطونی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران. چاپ دوم. (کتاب اصلی در سال ۱۳۹۰ منتشر شده است).
- رهنمایی، محمدتقی. (۱۳۸۳). دولت و شهرنشینی. *گفتگو. فصلنامه آبادی*، ۴۲، ۱۱۴-۱۱۷.
- رهنمایی، محمدتقی. (۱۳۸۸). دولت و شهرنشینی در ایران (مبانی و اصول کلی نظریه توسعه شهر و شهرنشینی در ایران). *بوم‌شناسی شهری*، پیش شماره. ۱۴۳-۱۶۵.
- زنگنه شهرکی، سعید. (۱۳۹۲). فرایند تبدیل نقاط روستایی به شهر در مقیاس ملی و پیدایش پدیده خام شهرها. *پژوهش‌های روستایی*، ۴ (۳)، ۵۵۷-۵۲۵.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان گیلان. (۱۳۹۳). *سالنامه آماری استان گیلان*. رشت: معاونت آمار و اطلاعات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان گیلان.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان گیلان. (۱۳۹۶). *تهیه و بازنگری برنامه آمایش استان گیلان*. رشت: گیلان (مجری طرح معاونت پژوهشی

- دانشگاه شهید بهشتی).
- ضیاء توانا، محمدحسن، امیر انتخابی، شهرام. (۱۳۸۶). روند تبدیل روستا به شهر و پیامدهای آن در شهرستان تالش. *فصلنامه جغرافیا و توسعه*، ۱۰(۵)، ۱۰۷-۱۲۸.
- عزیزی، محمدمهدی، زبردست، اسفندیار، برنافر، مهدی. (۱۳۹۷). تحلیلی بر عوامل و اثرات تبدیل روستا به شهر بر نظام شهری استان گیلان (۱۳۹۵-۱۳۳۵). *برنامه‌ریزی و آمایش فضا*، ۲۲، ۱۸۷-۲۱۷.
- عظیمی، ناصر. (۱۳۸۱). *پویش شهرنشینی و مبانی نظام شهری*. مشهد: نیکا.
- عظیمی، ناصر. (۱۳۸۹). فقدان شهر. ویژگی اصلی تاریخ قدیم گیلان. *نشریه خط مهر*، ۱۸، ۲۳-۲۸.
- عظیمی، ناصر. (۱۳۹۱). *نظریه نظام آسیایی و یک مطالعه موردی در ایران*. تهران: نشر ژرف.
- فیروزنیا، قدیر، ضیاءتوانا، محمدحسن، رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا. (۱۳۸۶). تبیین فرایند تحول روستا به بهره‌گیری از نظریه چرخه حیات. *مدرس علوم انسانی*، ۵۰، ۹۳-۱۲۰.
- کریمی، بهرام، سلمانی، محمد، بدری، سیدعلی، رضوانی، محمدرضا و قدیری معصوم، مجتبی. (۱۳۹۱). روند تحولات شهرنشینی در استان گیلان. *چشم‌انداز جغرافیایی*، ۲۰، ۷۱-۸۴.
- کریمی، بهرام، بدری، سیدعلی، سلمانی، محمد. (۱۳۹۳). بررسی نگرش مردم محلی به سیاست تبدیل روستا به شهر برحسب محل سکونت (مطالعه موردی: بخش دیلمان. شهرستان سیاهکل). *مدیریت شهری*، ۳۷، ۱۹۳-۲۱۲.
- گلی، علی، عسگری، علی، رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا. (۱۳۸۳). تبیین الگوی فضایی روستاهای در حال گذار با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی. *منطقه شمال غرب ایران. مدرس علوم انسانی*، ۴۸(۴)، ۱۴۷-۱۷۴.
- وحیدی برجی، گلдіس، نوریان، فرشاد، عزیزی، محمدمهدی. (۱۳۹۶). شناسایی علل عدم تحقق کاربری‌های پیشنهادی در طرح‌های توسعه شهری ایران با استفاده از نظریه زمینه‌ای. *نشریه هنرهای زیبا*، ۲۲، ۵-۱۴.
- Birch, K. & Mykhnenko, V. (2009). Varieties of neoliberalism? Restructuring in large industrially dependent regions across Western & Eastern Europe, *Journal of Economic Geography*, 9, 355-380.
- Chakraborty, S. & Chakma, N. (2014). Trend of urbanization and growth of small towns in barddhaman district, west bengal, india, *Scientific Annals of Alexandru Ioan Cuza University of Iasi. Geography series*, 60(1), 200-209.
- Dunford, M. (2003). Theorizing regional economic performance & the changing territorial division of labour, *Regional Studies*, 37, 829-854.
- Goulding, C. (1999). *Grounded Theory. some Reflections on paradigm, procedures and Misconceptions*, Wolverhampton: university of Wolverhampton, UK.
- Johnson, R. B. (1997). Examining the Validity Structure of Qualitative Research, *Education*, 118, 282- 292.
- Jones, M., Kriflik, G. & Zanko, M. (2005). *Grounded Theory. A Theoretical and Practical Application in the Australian Film Industry*, Johor Bharu: Malaysia.
- Massey, D. B (1984). *Spatial Divisions of Labor: Social Structures & the Geography of Production*, New York: Macmillan.
- Mitra, A. & Kumar, R. (2015). New Patterns in Indian Urbanization. Emergence of Census Towns, *Environment and Urbanization Asia*, 6(1), 18-27.
- Njoh, A. J. (2003). Urbanization & development in sub-Saharan Africa, *Cities*, Vol. 20(3), 167-174.
- Scott, A. J. (1988). *Metropolis. From the Division of Labor to Urban Form*, CA: UCLA Press.
- Solhi, S. & Rahmanian Koshkaki, E. (2016). The antecedents of entrepreneurial innovative behavior in developing countries, a networked grounded theory approach (case study Iran), *Journal of Entrepreneurship in Emerging Economies*, 8(2), 225-262.
- Smith, N. R. (2014). Beyond top-down/bottom-up. Village transformation on China's urban edge, *cities*, 41, 209-220.
- Thomas, M. (2016). Making a Town. Urbanity, Rurality, and the Politics of Place in Ebersbach (Fils), 1945-1989, *Journal of Urban History*, 26, 1-19.